



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سفرهای
صادق آل محمد

محمد رضایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سفرهای صادق آل محمد (ع)

نویسنده:

محمد رضائی

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سفرهای صادق آل محمد (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	امام صادق در خلافت منصور
۷	دربار منصور
۸	پاورقی
۹	اهداف سفرها
۹	اشاره
۹	سفرهای امام صادق در دوران خلافت سفاح
۱۰	امام صادق (ع) و زیارت عتبات
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سفرهای صادق آل محمد (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد رضائی

ناشر: ماهنامه کوثر، شماره ۴۰

مقدمه

سفرهای معصومین علیهم السلام از مهم‌ترین فرازهای درخشان زندگی و تاریخ اهل بیت علیهم السلام است. این سفرها در بردارنده‌ی حوادث تاریخی و معارف الهی مهمی هستند. هجرت پیامبر (ص) و اهل بیت از مکه به مدینه، حجة‌الوداع رسول خدا (ص)، غدیر خم و سفر تاریخی سیدالشهداء به کربلا- از سفرهای پر بار تاریخ اسلام هستند. اینک به مناسبت ویژه نامه میلاد صادق آل محمد (ص)، به بررسی سفرهای آن حضرت می پردازیم. امام صادق (ع) در سال ۸۳ ه. ق. تولد یافت و در سال ۱۱۴ ه. ق. به امامت رسید و در سال ۱۴۸ شهید شد. دوران امامت آن حضرت با دوران ضعف امویان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه. ق.) و با سالیان آغازین حکومت عباسیان (۱۳۲ - ۱۴۸ ه. ق.) همراه بود. در عصر امویان، سراسر عمر آن حضرت در مدینه سپری شد. آن حضرت در عهد امامت پدرش همراه وی از طرف هشام بن عبدالملک اموی به شام احضار و از مدینه خارج شد. سفرهای امام صادق (ع) در دوره عباسیان آغاز می‌گردد که بیانگراوج تحولات سیاسی در این دوره است. خلفای عباسی گرچه با شعار اهل بیت علیهم السلام به قدرت رسیدند و در مقایسه با بنی امیه، به اهل بیت علیهم السلام و علویان نزدیک‌تر بودند اما در ظلم بر معصومین علیهم السلام و علویان از امویان جلوتر و یا همانند آنها بودند. [۱]. یکی از مهم‌ترین ظلم‌ها و آزارهای خلفای عباسی که نسبت به ائمه علیهم السلام روا داشتند اجبار ائمه علیهم السلام به سفر از مدینه به مراکز حکومت، به منظور اذیت آنها بود. سفرهای اجباری ائمه علیهم السلام از عصر امام صادق (ع) شروع شد و تا شهادت امام عسگری (ع) تداوم یافت و زمینه ساز غیبت امام زمان (ع) گردید.

امام صادق در خلافت منصور

تعداد ملاقات‌های امام صادق (ع) با منصور را از هفت تا حدود بیست مرتبه شمرده‌اند. که برخی از آنها در سفر حج منصور بود. منصور چند بار امام صادق (ع) را به کوفه و بغداد احضار کرد. اینک چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم: پس از شهادت محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله بن حسن (عبدالله محض) مردی قریشی به بغداد رفت و به منصور گفت: جعفر بن محمد غلامش، معلی بن خنیس را برای جمع آوری اموال نزد شیعیانش فرستاده است، تا با آنها به یاری محمد بن عبدالله بشتابد. منصور از شدت غضب، به حاکم مدینه دستور داد که به سرعت امام را به مرکز بفرستد و هیچ ملاحظه مقام یا نسبت او را نکند. حاکم مدینه با تهدید امام را مجبور به سفر کرد. صفوان جمال می‌گوید: «امام مرا طلبیده، فرمود: وسایل سفر را آماده کن که فردا عازم می‌شویم و همان ساعت برخاست در حالی که همراهش بودم به مسجدالنبی (ص) رفت، چند رکعت نماز خواند و دست به دعا بلند کرد که: یا من لیس له ابتداء و انقضاء... و فردایش عازم عراق شدیم و...» [۱۱]. امام صادق (ع) درباره این سفر فرمود: پس از شهادت ابراهیم بن عبدالله بن حسن، تمام افراد بالغ از اهلیت را مجبور به سفر به کوفه کردند. آنها را یک ماه آن جا به گونه‌ای نگه داشتند که هر روز منتظر قتل خود بودند، تا این که روزی به آنها گفتند: دونفر از شما به نمایندگی از بقیه به دیدن خلیفه بیاید، پس من امام صادق (ع) و حسن بن زید رفتیم و... [۱۲].

دربار منصور

در تمام موارد احضارهای امام، ماموری در کنار منصور یا در راهروی قصر آماده بودند تا با دیدن علامت منصور و یا قبل از رسیدن امام به مجلس او، آن حضرت را بکشد. [۱۳] این نقشه هیچگاه پیاده نشد. علت آن را چنین نوشته‌اند: ربیع خادم و مامور منصور می‌گوید: روزی منصور مرا مامور آوردن جعفر بن محمد کرد. من نزد آن حضرت رفته، گفتم: اگر وصیتی یا عهدی داری انجام بده. منصور تو را برای قتل طلبیده است. ایشان را به مجلس منصور بردم. جعفر بن محمد قبل از مواجهه با منصور مشغول ذکر گفتن بود. تا منصور ایشان را دید، بلند شد و احترام عجیبی کرد. آن حضرت را کنار خود نشاند و پس از اندکی صحبت، با احترام ایشان را مرخص نمود. در بازگشت از جعفر بن محمد سر این تحول را پرسیدم او فرمود: دعایی خواندم. از ایشان خواستم که آن دعا را به من هم بیاموزد. آن حضرت هم یاد داد. [۱۴]. آن حضرت در هر مرتبه احضار، ابتدا به درگاه خداوند متوسل می‌شد و آن گاه نزد منصور می‌رفت. این توسل یا در خانه، قبل از حرکت به سوی دربار بود و یا در مسیر راه و یا در راهرو قصر. در همین زمینه دعاهای کوتاه و بلند و متنوعی از آن حضرت در دفع بلا و شرور رسیده است که یک نمونه از آن‌ها را که به فرموده جدش، امام حسین (ع) در شذائذ خوانده می‌شود، نقل می‌کنیم: یا عدتی عند شدتی و یا غوثی عند کربتی / احرسنی بعینک التی لاتمام و اکفنی برکنک الذی لایرام. [۱۵] سید بن طاووس در مهج الدعوات تمام این دعاهای آورده است. منصور بارها امام صادق (ع) را به قصرش احضار کرد و اتهاماتی به آن حضرت وارد آورد، همانند این که غائله و فتنه به پا می‌کند، [۱۶] از مردم برای خود بیعت می‌گیرد تا خروج کند، [۱۷] علیه منصور توطئه چینی می‌کند، [۱۸] مدعی است علم غیب می‌داند و... [۱۹]. منصور در موارد متعددی افراد گوناگونی که مامور سعایت یا خبر چینی بودند، را در ضمن اتهاماتش به عنوان شاهد معرفی می‌کرد. بعضی از آن‌ها مامور رسمی خلیفه بودند و برخی نیز برای تقرب به منصور خبر چینی می‌کردند. امام صادق (ع) همیشه منکر اتهام‌ها می‌شدند. امام برای این که حق را اظهار کرده و باطل را معرفی کرده باشد، در این موارد شیوه‌ای بدیع داشتند. امام به مدعی که قسم خورده بود می‌فرمود: این قسم کافی نیست. در قسم خود ابتدا قسم بخور که بیرون هستی از حول و قوه الهی و متکی هستی به حول و قوه خود، اگر حرفت دروغ باشد. سعایتگران از قسم خوردن امتناع می‌کردند اما با تهدید منصور، مجبور به قسم خوردن می‌شدند. پایان قسم پایان عمر طبیعی آن‌ها بود (خود به خود می‌مردند) و آغاز ترس و وحشت منصور و عذرخواهی از امام که او را ببخشد. [۲۰]

در تمام موارد احضار، منصور سرانجام از قتل امام منصرف می‌شد. تحول طبیعی شخص منصور، [۲۱] ترس ماموران از کشتن امام و دچار شدن به فرجام شوم و ندیدن امام [۲۲] که بر اثر ادعیه کارگشای امام صادق (ع) بود. منصور پس از شکست شیوه‌های فوق به راه دیگر متوسل شد. او یک بار ۷۰ ساحر را از منطقه بابل فراخواند تا از راه سحر حیوانی را تصویر و تصور کنند. سپس امام صادق (ع) را دعوت کرد تا او را مسخره و رسوا کند اما امام صادق (ع) تمام سحرها را باطل ساخت. [۲۳] منصور یک بار ابوحنیفه، فقیه معروف اهل سنت را دعوت کرد و از او خواست تا سؤال‌های مشکلی را از امام صادق (ع) بپرسد. ابوحنیفه ۴۰ مسئله مشکل طرح کرده بود، اما در لحظه نخست رویارویی با امام صادق (ع) از هیبت امام برخوردار شد. منصور به امام گفت: ای ابو عبدالله! این مرد ابوحنیفه است. امام گفت: او که گاه نزد ما می‌آید. (بدین گونه منصور و ابوحنیفه رسوا شدند). منصور به ابوحنیفه دستور داد تا سوالات را از امام بپرسد. امام به یکایک آن سؤال‌ها این گونه جواب می‌داد: شما (اهل سنت عراق) چنین می‌گویید: اهل مدینه (اهل سنت حجاز) چنین می‌گویند: و ما چنین می‌گوییم. آن حضرت در پایان به ابوحنیفه می‌فرمود: آیا از ما شنیده‌ای که داناترین مردم کسی است که داناترین فرد به اختلاف (اقوال) مردم باشد. [۲۴]. منصور بارها امام صادق (ع) را مجبور به سفر طولانی به عراق کرد، به او اتهام زد و اذیت‌ها و اهانت‌ها روا داشت اما هیچ گاه نتوانست نور الهی را خاموش کند. او بارها قصد قتل امام را در سر می‌پرورد. اما هیبت امام مانع می‌شد. او سرانجام سعی کرد که مردم را از محضر آن بزرگوار دور کند و مجلس درس او را تعطیل نماید اما باز هم ناموفق بود و به ناچار اجازه تدریس به آن حضرت داد. به شرط این که تدریس وی در پایتخت حکومت

نباشد و فقط برای شیعه باشد (نه جمیع فرقه‌ها). [۲۵]. این سفرهای امام صادق(ع) را با داستانی از آنچه که در مسیر بازگشت آن حضرت از بغداد به مدینه، در کوفه روی داد به پایان می‌بریم: سید حمیری، از شعرا و مدیحه سرایان اهل بیت علیهم السلام اما پیرو فرقه کیسانیه (امامت محمد بن حنفیه) بود. او در بستر بیماری افتاده زبانش بند آمده، چهره‌اش سیاه، چشمانش بی فروغ و... شده بود. امام صادق(ع) تازه وارد کوفه شده بود و خود را برای عزیمت به مدینه آماده می‌کرد. یکی از اصحاب امام صادق(ع) شرح حال سید حمیری را به آن حضرت گفت، امام به بالین سید آمد، در حالی که جماعتی هم آنجا گرد آمده بودند. امام سید حمیری را صدا زد. سید چشمانش را باز کرد، اما نتوانست، حرفی بزند، در حالی که به شدت سیمایش سیاه شده بود. حمیری گریه‌اش گرفت. التماس گرایانه به امام صادق(ع) نگاه می‌کرد. امام زیر لب دعائی می‌خواند. سید حمیری گفت: خدا مرا فدایتان گرداند. آیا با دوستداران این گونه رفتار می‌نمایند؟ امام فرمود: سید! پیرو حق باش تا خداوند بلا را رفع کند و داخل بهشتی که به اولیائش وعده داده است، شوی. او اقرار به ولایت امام صادق(ع) نمود و همان لحظه از بیماری شفا یافت. [۲۶].

باورقی

- [۱] اگر جنایت عباسیان را با جنایات امویان بدون در نظر گرفتن فاجعه کربلا مقایسه کنیم در بسیاری از موارد عباسیان در مرتبه اول قرار دارند، مثلاً شش امام توسط آن‌ها به شهادت رسید، در حالی که امویان تنها ۴ امام را شهید کردند.
- [۲] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۰۱.
- [۳] رجال نجاشی، ص ۲۸.
- [۴] موسوعه الامام الصادق(ع)، قزوینی، ج ۳، ص ۲۳۱. به نقل از فرحه‌الغری، ص ۵۹.
- [۵] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۶۶.
- [۶] کافی، ج ۴، ص ۸۲ حدیث ۷.
- [۷] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۷۱.
- [۸] کافی، ج ۶، ص ۳۴۷.
- [۹] مفاتیح الجنان، باب زیارات مخصوصه امیرالمؤمنین.]
- [۱۰] همان، زیارت سوم مطلقه امیرالمؤمنین و ذیل زیارت عاشورا.
- [۱۱] کافی، ج ۶، ص ۴۴۵.
- [۱۲] مقاتل الطالبین، ص ۲۳۲.
- [۱۳] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۷۰.
- [۱۴] الخرائج، ج ۲، ص ۷۶۳.
- [۱۵] ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۸۲.
- [۱۶] ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۸۲.
- [۱۷] الخرائج، ج ۲، ص ۷۶۳.
- [۱۸] کافی، ج ۲، ص ۴۴۶.
- [۱۹] امالی طوسی، ص ۴۶۱.
- [۲۰] الخرائج، ج ۲، ص ۷۶۳ و بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۰۱ و ۱۶۴.
- [۲۱] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۶۲.

[۲۲] همان، ص ۱۶۹.

[۲۳] دلائل الامامه، ص ۲۹۹ و اختصاص، ص ۲۴۶.

[۲۴] تهذیب الکمال، المزی، ج ۵، ص ۷۹ و الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۵۵۶.

[۲۵] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۸۰.

[۲۶] همان، ص ۳۲۷.

اهداف سفرها

اشاره

محمد بن عبدالله اسکندری، از ندیمان خاص منصور دوانقی می‌گوید: روزی از منصور که غرق غم و تفکر بود، پرسیدم چرا ناراحتی؟ او گفت: از اولاد فاطمه حدود صد نفر و یا بیشتر را کشتم اما هنوز سید و پیشوای آنان، جعفر بن محمد (ع) زنده است. گفتم: عبادت جعفر بن محمد او را از توجه به خلافت و ملک باز داشته است. منصور گفت: اما ملک عقیم است و تا از او خلاص نشوم، احساس راحتی نمی‌کنم. [۲] همین احساس خطر از موقعیت دینی، علمی و اجتماعی امام صادق (ع) باعث شد که وی بارها به سفرهای اجباری به مراکز حکومتی برود. گرچه تعداد این سفرها و احضارها زیاد بود ولی از جزئیات آنها اطلاعات دقیق در دسترس نیست. به ناچار ضمن دو عنوان کلی، به بررسی این سفرها می‌پردازیم.

سفرهای امام صادق در دوران خلافت سفاح

سفاح اولین خلیفه عباسی است که شهر حیره واقع در نزدیکی کوفه را پایتخت قرار داد. او چهار سال بیشتر حکومت نکرد. سفاح بیشتر دوران حکومتش را به پاکسازی مخالفان و جنگ‌های پراکنده با امویان پرداخت. او به شدت از امام صادق (ع) بیم داشت. لذا در اواخر حکومت خود، آن حضرت را به حیره احضار کرد. کوفه پایگاه تاریخی تشیع بود. حدود ۹۰۰ راوی حدیث در مسجد کوفه سرود حدیثی جعفر بن محمد [۳] می‌سرودند. کوفه پایگاه اصحاب خاص امام صادق (ع) و پدرش بود، پایگاه زراره، جابر جعفی، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب و.... امام صادق (ع) هنگام ورود به کوفه با استقبال عظیم مردم مواجه شد. یکی از اصحاب آن حضرت در این باره می‌گوید: به خاطر شدت ازدحام مردم نتوانستم خدمت آن حضرت شرفیاب شوم تا این که در روز چهارم ورود آن حضرت به کوفه، ایشان مرا در میان جمعیت دید و مرا به نزد خود فراخواند. [۴]. سفر امام صادق (ع) به درازا کشید. آن حضرت در آغاز سفر در فضای آزادتری بودند، به گونه‌ای که ملاقات مسلمانان با آن حضرت اوضاع را کاملاً به ضرر حکومت نوپای عباسیان پایان بخشید. متأسفانه اطلاعاتی از این سفر به دست ما نرسیده است. منصور در مجلس سفاح از امام صادق (ع) پرسید: ای ابوعبدالله، چرا شیعیان به راحتی در بین مردم شناخته می‌شوند؟ امام فرمود: به خاطر حلاوت و شیرینی ایمانی که در سینه‌های آنهاست، آن را آشکار ساخته، زود شناخته می‌شوند. [۵] از ویژگی‌های این سفر این است که: امام صادق (ع) در دوره سفاح که خفقان کم‌تر بود، نیز در تقیه بسیار شدید قرار داشتند. حضرت فرمود: مرا نزد سفاح در حیره بردند او از من پرسید: درباره روزه امروز چه می‌گویی؟ گفتم: شما پیشوای جامعه هستید، اگر روزه بگیری ما هم روزه می‌گیریم و اگر افطار کنی ما هم افطار می‌کنیم. پس او افطار کرد و من هم مجبور به افطار شدم، با این که به خدا قسم! می‌دانستم آن روز، رمضان بود آن افطار و قضای آن برایم سهل‌تر بود از این که گردنم زده شود و خدا عبادت نگردهد. [۶]. سفاح در اواخر حکومتش امام صادق (ع) را تحت نظر شدید قرار داد. یکی از شیعیان به حیره آمده بود تا پاسخ سوالی شرعی را از آن حضرت بپرسد، اما امام تحت نظر شدید بود. و او

در مانده بود که از چه راهی نزد آن حضرت برود. ناگهان چشمش به خیار فروش پشمینه پوش افتاد. با مبلغی قابل توجه همه خیارها را خرید و لباسش را امانت گرفت و بدین ترتیب نزد امام صادق (ع) رفت. [۷] سرانجام سفاح مجبور شد امام را به مدینه باز گرداند، تا ایشان را از مرکز شیعه دور کند.

امام صادق (ع) و زیارت عتبات

بیشتر زیارت‌های ائمه علیهم السلام به ویژه زیارت امیرالمؤمنین و سیدالشهداء علیهما السلام و روایات بسیار در فضیلت زیارت آن‌ها از امام صادق (ع) نقل شده است. امام صادق (ع) بارها همراه برخی از اصحاب خاص خود به زیارت مرقد مطهر امیرالمؤمنین مشرف شد. [۸] محدث بزرگوار شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان می‌نویسد: امام صادق (ع) فرمود: «چون زیارت کنی جانب نجف را، زیارت کنی عظام آدم و بدن نوح علیهما السلام و پیکر علی بن ابی طالب (ع) را. زیرا با این کار زیارت کرده‌ای پدران گذشته و محمد (ص) خاتم پیغمبران و علی (ع) و بهترین اوصیا را» [۹]. در مفاتیح الجنان آمده است: سید بن طاووس می‌گوید: صفوان جمال روایت کرده است! «چون با حضرت صادق (ع) وارد کوفه شدیم آنگاه که آن حضرت نزد منصور دوانیقی می‌رفتند، فرمود که ای صفوان شتر را بخوابان که این نزدیک قبر جدم امیرالمؤمنین (ع) است. پس فرود آمدند و غسل کردند و جامه را تغییر دادند و پاها را برهنه کردند و فرمودند: تو نیز چنین کن. پس به جانب نجف روانه شدند و فرمودند که گامها را کوتاه بردار و سر را به زیر انداز که حق تعالی برای تو به عدد هر گامی که بر می‌داری صد هزار حسنه می‌نویسد و صد هزار گناه محو می‌کند و... پس آن حضرت می‌رفتند و من می‌رفتم همراه آن حضرت، با آرامش دل و بدن و تسبیح و تزییه و تهلیل خدا، تا رسیدیم به تلها (تپه‌های مورد نظر) پس ایشان به جانب راست و چپ نظر کردند و با چوبی که در دست داشتند خطی کشیدند. پس فرمودند: جستجو نما. پس طلب کردم اثر قبوری یافتیم. پس آب دیده بر روی مبارکش جاری شد و گفت: انا لله و انا الیه راجعون و گفت: السلام علیک ایها الوصی... سپس خود را به قبر چسبانیده و گفتند: بابی انت و امی یا امیرالمؤمنین و... پس برخاست و بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز خواند و فرمود:.... صفوان می‌گوید: به آن حضرت گفتم: اجازه می‌دهید اصحاب خود را خبر دهم از اهل کوفه و نشان دهم به آنها این قبر را. فرمودند: بلی و درهمی چند هم دادند که من قبر را مرمت و اصلاح کردم. همچنین سیف بن عمیره می‌گوید: پس از خروج امام صادق (ع) از حیره به جانب مدینه، همراه صفوان بن مهران و جمعی دیگر از شیعیان به سوی نجف رفتیم. پس از اینکه از زیارت امیرالمؤمنین (ع) فارغ شدیم، صفوان صورت خود را به کربلا برگرداند و گفت: از کنار سرمقدس امیرالمؤمنین زیارت کنید حسین (ع) را که اینگونه با ایما و اشاره امام صادق زیارت کرد او را. پس صفوان همان زیارت عاشورا را که علقمه از امام باقر (ع) روایت کرده بود، با نمازش خواند و سپس با امیرالمؤمنین (ع) وداع کرد و سپس به جانب قبر حسین (ع) اشاره کرد و ایشان را هم وداع کرد به دعاء بعد از زیارت عاشورا. پس از ختم دعا به صفوان گفتیم: اما علقمه دیگر این را روایت نکرده بود. صفوان گفت: هر چه انجام دادم و خواندم چیزی است که امام صادق (ع) انجام داده بود و مرا به آن سفارش کرده بود. [۱۰].

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

